گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۵۶۹۳
سه شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۱ ۲۱:۴۹

یادداشتی از زینب پاکپور؛

# مشق زندگی باید آموخت، تا جامعه‌ای زندگی محور داشت

نظام آموزش و پروش کشورمان در مقایسه با کشورهای به‌روز دنیا، در حوزه‌ی آموزش مهارت و خلاقیت به کودکان و نوجوانان این مرز و بوم، عملکرد ضعیفی دارد.

به گزارش خبر، زینب پاکپور در یادداشت ارسالی با موضوع " مشق زندگی باید آموخت، تا جامعه‌ای زندگی محور داشت " به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

دوران طلایی کودکی و نوجوانی، در شکل‌گیری هویت و شخصیت انسان نقش بسزایی دارد. برخی از مهم‌ترین عوامل محیطی موثر بر شکل گیری شخصیت فرد شامل؛ خانواده، مدرسه و یادگیری، گروه همسالان و جامعه می‌باشد.

کودکان و نوجوانان بخش اعظمی از؛ چگونگی رفتار اجتماعی، همکاری، هم‌سازی با دیگران، رفتار فردی، عقاید و باورهای خود را از مدرسه می‌آموزند.

به طور کلی یادگیری؛ فرآیند ایجاد تغییرات نسبتا پایدار رفتار فرد است، که در نتیجه‌ی تمرین و تجربه حاصل می‌شود.

اصول یادگیری و ماهیت آن به تمرین و تجربه عملی نه منفعل، و تغییرات پایدار که شخصیت ساز هستند بستگی دارد. سیستم آموزش و پروش کنونی کمتر به سمت کسب تجربه، مهارت آموزی و خلاقیت حرکت می‌کند؛ با آموزش بسیاری از کتب به صورت تئوری و حفظ تیتروار مسائل بدون توجه به اهمیت تجربیات عملی، فرصت شکوفایی را از کودکان سلب می‌کند.

مدرسه باید مامنی امن و پویا باشد تا افراد با احساس شادی و رضایت تام ،لحظه‌های عمر خود را در آن سپری کنند و خلاقیت و مهارت‌های خود را پروش دهند؛ بی‌شک این بستر باید از جانب سازمان آموزش و پروش هر کشوری سازماندهی و برنامه ریزی گردد. ایجاد عشق و علاقه به یادگیری و کسب دانش، تفکر خلاق و مهارت آموزی از مهم‌ترین وظایف این سیستم به شمار می‌رود.

جای خالی حرفه‌های ارزشمندی چون؛ شاهنامه خوانی، موسیقی، تئاتر، گویندگی، نویسندگی، ورزش(تیراندازی، شنا، فوتسال و...) اجرا و سایر فنون در آپوزش به شدت احساس می‌شود.

هر فردی به نسبت علاقه و توانمندی، می‌تواند در عرصه‌ی دلخواه خود بدرخشد و نقش بسزایی را ایفا کند و برای جامعه‌ی خود مفید و موثر واقع گردد. جامعه‌ای مسیر موفقیت و سلامت را طی میکند که در آن، تمامی مشاغل از یک میزان شان و منزلت برخوردار باشد.

توجه ویژه به یکسری از مشاغل و ارزشمندسازی آنها و به طبع کم اهمیت تلقی کردن مشاغل دیگر، به شان و منزلت اجتماعی و فردی افراد خدشه وارد می‌کند. مدرسه میتواند با فرهنگسازی موثر، مرزبندی‌های نابه‌جا را ملغی دارد و نقش بسزایی را در سرنوشت افراد و جامعه بر جای گذارد.

انواعی از هوش وجود دارد که میزان آن از هر فردی به فرد دیگر متغییر است؛ هوش ریاضی، هوش موسیقیایی، هوش زبانی، هوش فضایی، هوش طبیعت‌گرایانه، هوش وجودی انسانی، هوش درون فردی، هوش بدنی و هوش خودآگاهی. با وجود نه نوع هوشی که نام برده شد، غیرواقع بینانه است که هر یک از افراد را در معیار مقایسه با یکدیگر در توانمندی قرار دهیم و در ارزشیابی‌ها، بدون در نظر گرفتن توانمندی منحصر به فرد شخص، انتظار درخشیدن در عرصه‌های مد نظر سازمان را از وی خواستار باشیم.

پیشگیری بهتر از درمان است؛ سطح کیفیت و عملکرد فردای یک کشور ،به دستان کودکان امروز تعیین می‌شود. با سرمایه‌گذاری اصولی و صحیح بر کودکان این سرزمین ،سلامت فردای کشور را تضمین کنید. سلامت روانی جامعه در گرو سلامت روان افراد جامعه است. آموزش و پروش می‌توانید در این عرصه گام بزرگی بردارد؛ با آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی در قالب آموزش کتب مخصوص به این امر، و آموزش‌های عملی می‌تواند در این رسالت بزرگ سهیم باشد.